

والدین

معمار ساختمان

شخصیت کودک

محمود احسان تقی زاده

تربیت صحیح یک انسان قبل از تولد شروع می‌شود به نحوی که نوزاد به دنیا آمده نه ماه از عمرش سپری گشته است. به عبارت دیگر تربیت کودک از دوران جنینی آغاز می‌شود.

تربیت راز و رمزهایی دارد که دانایی و توانایی و به کار بستن می‌خواهد. تربیت شور و عشق می‌طلبد.

تربیت در عالم انسانیت بسان عشق به زیبایی در عالم هنر است. تربیت، کودک را نمی‌آفریند بلکه او را در راه انسان شدن شکوفا می‌سازد. همانگونه که عبادت نتیجه منطقی اسلام و ایمان است، انسان شدن نتیجه منطقی اسلام و ایمان است، انسان شدن نتیجه منطقی تربیت درست است. در واقع تربیت پاسخی معقول و رضایت‌بخش به معمای هستی کودک است. تربیت سرود چگونه زیستن، چگونه اندیشیدن و سرانجام چگونه مردن را به گوش جان کودک می‌خواند. کودک موجودی آماده برای انسان شدن است، اگر مربی‌اش خودانسان نشده باشد. پس من و شما ای مربی عزیز و فداکار تربیت امروزان شخصیت فردا را می‌سازد و امروز فردایی است که دیروز درانتظارش بودیم.

تربیت فرآیندی الهی و معنوی است و کودک باید محصول چنین روندی باشد تا براساس فطرتش به سوی مقصد سیر نماید و والدین در این امر موفق‌اند که عملاً درست زندگی کنند و با داشتن چرایی در زندگی با هر چگونگی بسازند. باید دانست انسان پیردازی و کودک نوازی تنها در فضای عاطفی خانواده شکل، قوت و استمرار می‌یابد و در این محیط، عمل، فریادش بلندتر و رساتر از کلمات و جملات می‌باشد. حرکات و رفتارهای والدین و حتی دیگر اعضای خانواده اثر و اهمیتش مهمتر از انتقال مفاهیم و ارسال پیامهای کلامی است. در این بستر هم راه مهم است و هم مقصد. نیت اساس است و تلاش پیمودن راه است به سوی مقصد. نتیجه شناخت خود، ساختن خویش، سازگاری با خود، دیگران، عالم طبیعت و خداست. برخی داشتن هوش



و نکاوت و شانس و... را عامل سازندگی و تربیت صحیح می‌دانند غافل ازاینکه عده‌ای از هوشمندان جزو غافلان و مفتونانند و تنها کسانی مصون از حوادث و گرفتاریها و مشکلات خودساخته و دیگران پرداخته‌اند که دلیر، صبور، آگاه، مؤمن به نصرت خداوند و توانایی خویش هستند. چرا که درست عمل کردن نشانه درست اندیشیدن است و کسی که دارای تفکر سالم و به عبارتی شخصیت سالم نباشد هیچ وقت نمی‌تواند تربیت صحیحی ارائه دهد پس والدین می‌توانند معمار خوبی برای ساختمان شخصیت کودک باشند که در مرحله اول خود تربیت یافته و در نتیجه آدم شده باشند و در مرحله دوم از راز و رمزهای تربیت مطلوب آگاه بوده، ثالثاً شکیبیا و صبور باشند.

باغبان گرچند روزی صحبت گل بایش
برجفای خار هجران صبر بلبل بایش^۱
علاوه بر این مراحل، مسئله مهم توکل بر خدای منان است: بالله اعتمدت وبالله اثق وعلی الله اتوکل^۱.

یعنی: به خدا متوسل می‌شوم و به او اعتماد دارم و در هر کار بر او توکل می‌کنم. تکیه بر تقوی و دانش در طریقت کافر نیست راهرو گرسد هزار دارد توکل بایش درضمن باید به تفاهم فکری و عملی اشاره نمود. چرا که نداشتن تفاهم فکری و عملی کودک را دچار بحران و تضاد می‌کند و او را در وادی سردرگمی رها می‌سازد.

حال سنوالی مطرح می‌کنیم و آن اینکه چرا افرادی با داشتن امکانات مادی فراوان درمسأله تربیت نونهالان ناموفق‌اند و در مقابل برخی با استفاده از حداقل امکانات مالی و رفاهی این راه را با کامیابی طی می‌کنند؟ رمز موفقیت دسته دوم در غنای فکری و معنوی آنهاست چرا که معلومات داشتن غیر از انباشته کردن محفوظات است. و مسعنویت نقطه امید در بحرانها، پاسگاه امنیت، ایستگاه شرافت و پل ارتباط با خداست.

مسئله دیگر داشتن انگیزه صحیح برای

تربیت است. انگیزه، نیروبخش و جهت دهنده زندگی است و معنای زندگی و مفهوم زیستن را مشخص می‌کند. انما الاعمال بالنیات^۲. افراد بدون انگیزه و محرک، مردگان متحرک‌اند، زنده‌اند ولی زندگی نمی‌کنند. اگر آدمی چرایی زندگی را فهمید با هر چگونگی می‌سازد و این یعنی نور، حرکت، حرارت، شور و شوق برای رسیدن به اهداف مالی. وقتی دانستیم چه می‌خواهیم و چرا؟ و خواستنی‌های خود را حق و امکان‌پذیر تلقی کردیم و نسبت به آنها باور قلبی پیدا نمودیم تا سر حد پیوستن به حقیقت تلاش می‌کنیم و آنگاه تنظیم و برنامه‌ریزی و بهره‌گیری از امکانات خویش در مسیر مشخص و درست، زندگی همراه با ارزشها معنا پیدا می‌کند.

ارزشها، سیستم خاص فکری و عقیدتی جهت تشخیص بایدها و نیایدهاست که فی‌نفسه ارزشمند می‌باشند و درست زندگی کردن را توجیه می‌کنند. پرورش عواطف و احساسات کودکان و نوجوانان خود محمل دیگریت پدر و مادری که احساسات خود را پنهان می‌کنند نه از ته دل می‌خندند و نه گریه می‌کنند همراهی عواطف و افکار باز زندگی نه تنها برای سلامت نفسانی خود والدین مفید است بلکه برای پرورش و تزکیه عواطف پاک کودکان معصوم نیز سودمند خواهد بود.

برخورد والدین با مشکلات زندگی قصه‌ای دیگر دارد باید توجه داشت مشکلات زندگی محدودیت‌های زندگی نیستند. مشکلات برای پرورش بیشتر و بهتر انسانها در راه اهداف عالی خلق شده و رفع و دفع صحیح و بهره‌برداری مناسب از آنها لیاقت و توانایی لازم را می‌طلبد. نگرش والدین به مصائب و مشکلات خود شاخص مهمی جهت پروراندن عملی کودکان است. مشکلات بن‌بست‌های زندگی نیستند بلکه موقعیت‌های تازه و تجربه‌های نوین‌اند.

نحوه تلقی و برخورد والدین بامسأله شانس خود عامل مهمی است. شانس که خود ایجاد ارتباط غیرمنطقی بین دو پدیده

خارجی در ذهن است نمی‌تواند عامل موفقیت در زندگی محسوب شود و آنچه عوام در مورد شانس برداشت می‌کنند به هیچ وجه جنبه علمی ندارد. آنچه می‌تواند عامل موفقیت و پدید آورنده موفقیت نیکو باشد تفکر خلاق و اندیشه سالم است.

مسئله بعدی چگونگی استفاده از زبان است، این موضوع قابل یادگیری می‌باشد و از طریق فرا گرفتن فن آن می‌توان از این وسیله ارتباطی جهت برقراری تفهیم و تفاهم بین انسانها بهره جست. چرا که انتقال پیامهای فکری در قالب کلمات و جملات میسر است. والدین با توجه به نکات ذیل خواهند توانست هرچه بیشتر از این موهبت الهی سود جویند: ۱- فراگیری ارتباطات درست کلامی ۲- غنی نمودن محتوای پیام ۳- به کارگیری بهترین شیوه بیان پیامها و خواسته‌ها ۴- مستقیم بیان کردن مطالب بدون ابهام ۵- در نظر گرفتن تأثیر زمان و مکان مناسب در اثردهی پیام. رعایت این نکات موجب تصریح و تسریع در سخن گفتن شده و به تبع آن روابط کلامی اعضای خانواده از سلامت برخوردار می‌گردد. کلام نیکو و خالی از نقص سبب گشودن گره‌ها، زدودن کینه‌ها و بدبینی‌ها و موجب رهایی انسان از استبداد فکری و عاطفی است.

متخلق به اخلاق الهی و صفات پسندیده شدن توسط پدر و مادر زمینه مهمی برای پرورش اخلاقی کودکان و نوجوانان است. اصولاً هر صفتی که می‌خواهیم فرزندانمان داشته باشند ابتدایید خود به آن صفت آراسته شده و یا از صفت بد احتراز جست باشند.

«همة قابلیت‌های طبیعی بشر باید کم‌کم از خود آدمی و با سعی خویش نشأت گیرد. هر نسل، نسل بعد را تربیت می‌کند آغاز فرآیند تربیت را می‌توان به دو صورت زیر جستجو کرد: یا آن را از شرایط خشن و شکل نگرفته آدمی و یا بالعکس از حالت کاملاً رشد یافته انسان ناشی دانست. اما اگر حالت اخیر سرآغاز فرض شود، باید پذیرفت که آدمی پس از دوره‌های طولانی رو

با پیشوند عددی یا شماره‌ای گفته می‌شوند همچون صد آفرین، هزار آفرین و... باید جداً پرهیز شود چرا که چنین تشویق‌هایی از طرح‌های غیر علمی است و آثار مخربی به دنبال دارد.

۴) هدف از تشویق و تنبیه بایستی پرورش قلب، عقل و رفتار نیک کودک باشد نه عقده‌گشایی و تشفی خاطر والدین.

۵) در تربیت کودک بایستی مقاصد بلند، صحیح، متناسب با توانایی، دانایی، نیاز و استعداد فرزندان را در نظر گرفت. «یکی از اصول تعلیم و تربیت که باید همواره در نظر گرفت این است که: کودکان را نباید تنها بر حسب وضع فعلی نوع بشر بلکه برای شرایط بهتر احتمالی در آینده، یعنی منطبق با انگاره آدمیت و مقصد کلی آن تربیت کرد»^۶ چگونه زیستن هنری است که توسط والدین در فرزندان ایجاد توانایی می‌کند و قابل انتقال است «ما به اعتباری دوبار به دنیا می‌آییم، یک بار برای بودن و دیگر برای زیستن، یکی برای نوع و دیگری برای جنس»^۷

نکته آخری که قابل تأمل و تذکر است مربوط به تشویق و تنبیه کودکان است. اصولاً تنبیه بدنی و تشویق مادی کاری نادرست است که نتایج و آثار آن بحث جداگانه‌ای را می‌طلبد ولی توجه به نکات ذیل خالی از فایده نیست: ۱) نوع کار فرزند مورد تشویق یا تنبیه قرار گیرد نه خود فرزند نباید گفت تو دختر یا پسر خوبی هستی بلکه باید گفت این کار تو خوب یا بد است چرا که اگر به خاطر کار خوب یابدی که کودک انجام داده است کل شخصیت او را مورد تشویق یا نکوهش قرار دهید، تصور فرد نسبت به خود متزلزل شده و اثرات تربیتی نامطلوبی در او به جا می‌گذارد.

به انحطاط نهاده و به بربریت بازگشته است.^۸ تربیت در حقیقت ایجاد صفت اخلاقی و انسانی در کودک است که محمل آن کانون خانواده بعداً مدرسه می‌باشد. اما این تربیت از والدین رشد یافته بروز و ظهور می‌کند، هنگامی که خود جوش شده و به حرکت درآمیدم خداوند نیز موفقیت‌مان را تضمین خواهد کرد.

۲) منظور از تنبیه کلامی، بیدار کردن و آگاه کردن کودک باشد.

۳) تشویق‌ها بایستی غالباً معنوی باشند و حتی الامکان از تشویق‌های مادی استفاده نشود.

همچنین از جمله‌ها و کلمات تشویقی که

از جمله‌ها و کلمات تشویقی که با پیشوند عددی یا شماره‌ای گفته می‌شوند همچون صد آفرین، هزار آفرین و... باید جداً پرهیز شود چرا که چنین تشویق‌هایی از طرح‌های غیر علمی است و آثار مخربی به دنبال دارد.

همراهی عواطف و افکار با زندگی نه تنها برای سلامت نفسانی خود والدین مفید است بلکه برای پرورش و تزکیه عواطف پاک کودکان معصوم نیز سودمند خواهد بود

کتابنامه

- ۱- دیوان خواجه حافظ شیرازی
- ۲- مغایع الجنان، تألیف شیخ عباس قمی، تعقیب نماز ظهر
- ۳- همانا اعمال براساس نیات سنجیده می‌شوند، بهار، ج ۷۰ ص ۱۱
- ۴- اندیشه‌های تعلیم و تربیت، امان‌نیل کانت، ترجمه دکتر غلامحسین شکومی، ص ۵۹
- ۵- کتاب چهارم ژان ژاک روسو.